

بیماری‌ها

بیماری‌های

فردی تنگنری

گاوچران قهرمان
یا بزدل عتکبونی؟

هوپا
Hoopa

بد بیاری های

فردی تنگنزی

گاوچران قهرمان
یا بزدل عنکبوتی؟

جک بزند

تصویرگر: تام جلت

مترجم: اعظم مهدوی

FREDDY TANGLES: Champ or Chicken
Copyright © Text, Jack Brand 2015
Copyright © Illustrations, Tom Jellett 2015
First published in the English language by Allen & Unwin
Pty Ltd, Sydney, Australia 2015.
All rights reserved.

نشر هوپا با همکاری آژانس ادبی کیا در چهارچوب قانون بین‌المللی حق انحصاری نشر اثر (Copyright) امتیاز انتشار ترجمه‌ی فارسی این کتاب را در سراسر دنیا با بستن قرارداد از انتشارات (Allen & Unwin) خریداری کرده است. انتشار و ترجمه‌ی این اثر به زبان فارسی از سوی ناشران و مترجمان دیگر مخالف عرف بین‌المللی و اخلاق حرفه‌ای نشر است.



سرشناسه: پزند، جک
Brand, Jack

عنوان و نام پدیدآور: گاوچران قهرمان یا بزدل عنکبوتی؟ نویسنده جک برند، تصویرگر تام جلت؛ مترجم اعظم مهدوی؛ ویراستار ناهید وثیقی.

مشخصات نشر: تهران، نشر هوپا، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: ۱۹ ص: مصور.

فروست: بدببیری‌های فردی تنگله؛ ۲.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۶۵۵-۱۹-۰؛ دوره: ۹۷۸-۶۰۰-۸۶۵۵-۱۸-۳؛ ۹۷۸-۶۰۰-۸۶۵۵-۱۸-۳

یادداشت: عنوان اصلی: Champ or chicken.

یادداشت: عنوان اصلی: Champ or chicken.

یادداشت: گروه سنی: ب، ج.

موضوع: داستان‌های ماجراجویانه انگلیسی

موضوع: Adventure stories, English

موضوع: داستان‌های کودکان انگلیسی

موضوع: Children's stories, English

موضوع: ترس در کودکان -- داستان

موضوع: Fear in children -- Fiction

شناسه افزوده: جلت، تام، تصویرگر

Jellett, Tom

شناسه افزوده: مهدوی، اعظم، ۱۳۶۰ - مترجم

رده بندی دیویی: ۱۳۹۵ قی ۴۸۱۵ ب ۴۸۲۳/۹۲

شماره کتابشناسی ملی: ۴۵۳۶۱۵۴

بدببیری‌های
فردی تنگله

گاوچران قهرمان یا بزدل عنکبوتی؟

نویسنده: جک پزند

تصویرگر: تام جلت

مترجم: اعظم مهدوی

ویراستار: ناهید وثیقی

مدیر هنری: فرشاد رستمی

طراح گرافیک: اعظم مهدوی، مریم عبیدی

ناظر چاپ: سینا برازوان

لبنوگرافی، چاپ و صحافی: واژه‌پرداز اندیشه

چاپ اول: ۱۳۹۶

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۳۰۰۰ تومان

شابک دوره: ۹۷۸-۶۰۰-۸۶۵۵-۱۸-۳

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۶۵۵-۱۹-۰

هوپا
Hoopa

آدرس: تهران، میدان فاطمی، خیابان بیستون کوچه‌ی دوم الف، پلاک ۳/۱، واحد دوم غربی صندوق پستی: ۱۴۳۱۶۵۳۷۶۵ ▲ تلفن: ۸۸۹۹۸۶۳۰ ▲ info@hoopa.ir ▲ www.hoopa.ir

همه‌ی حقوق چاپ و نشر انحصاراً برای نشر هوپا محفوظ است.

هرگونه استفاده از متن این کتاب، فقط برای نقد و معرفی و در قالب بخش‌هایی از آن مجاز است.

برای همه چیز ممنونم، برسی!

ج.ب

برای سهند

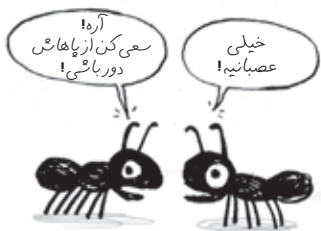
تابی عصبانی بود. بدجوری هم عصبانی بود.



از دست من!
یک جور ترسناکی گفت:

- ترجیح می‌دی چی باشی؟

من کلاً با این سؤال «ترجیح می‌دی چی» تابی حال می‌کنم. معمولاً این‌طوری است که ما یک جوابی می‌دهیم و بعد همه می‌خندیم. اما این بار فرق می‌کرد. اوضاع خراب‌تر از این حرف‌ها بود. نه جوابی در کار بود و نه خنده‌ای.



زنگ تفریح بود. همه‌ی دخترها پشت سر تابی ایستاده بودند. خیلی هم جدی به نظر می‌رسیدند. بلاکر، کوپر و زخم‌وزیلی مثل مجسمه ساکت و بی‌حرکت ایستاده بودند و جیکشان هم در نمی‌آمد. هیچ کدام به دادم نرسیدند. دلیلش معلوم بود. وقتی تابی به این درجه از عصبانیت می‌رسد، کسی جرأت حرف زدن ندارد.



این نمودارِ عصبانیتِ سنجِ تابی است...

این نمودار درجه‌ی عصبانیت تابی را نشان می‌دهد. و برای هر درجه توصیه‌های مفیدی پیشنهاد می‌کند. الان عقربه روی «از جات جُم نخور» است.



۲

سؤال تابی این بود:

«ترجیح می‌دی چی باشی؟»

دختری که به پسر خنگی فکر می‌کنه اون به پسره؟

یا

دختری که به پسر خنگی فکر می‌کنه اون به دختره و واقعاً هم هست؟»

نمودار عصبانیت سنج تابی می‌گفت که دهانم را ببندم. اما دست خودم نبود. یکهو شروع شد. کلمه‌ها مثل یک مشت سنگ ریزه از دهانم پرت می‌شدند بیرون. فقط خداخدا می‌کردم ترتیبشان جمله‌ای بشود که از عصبانیت تابی کم کند. اما از بخت گند من، جمله‌هه این طوری از آب درآمد:



۳

واقعاً دلم نمی‌خواست کلمه‌ها این‌جوری کنار هم بنشینند. از روی صورت تابی که هی قرمزتر و عصبانی‌تر می‌شد میزان گندی را که زده بودم فهمیدم. سعی کردم درستش کنم. کلمه‌ها را جابه‌جا کردم

«چیزه... واقعاً متأسفم! من گفتم که تو دختر

نیستی،

پسری!»

و این‌طوری گفتمشان.

جمله‌ه بهتر شد. اما تأثیری نداشت.

عصبانیت سنج تابی می‌گفت وقتی او به این حد از عصبانیت می‌رسد، دیگر

هیچ جمله و کلمه‌ای نمی‌تواند به داد

آدم برسد.



انگار داشت کلمه‌ها را به‌زور هل می‌داد توی دهانم.



گفت:

«با تو نبودم! این سؤال رو دخترها باید جواب بدن. نه پسرهای خنگ!»

همه‌ی دخترها تندی گفتند ترجیح می‌دهند پسر خنگه فکر کند دخترند تا اینکه فکر کند پسرند.

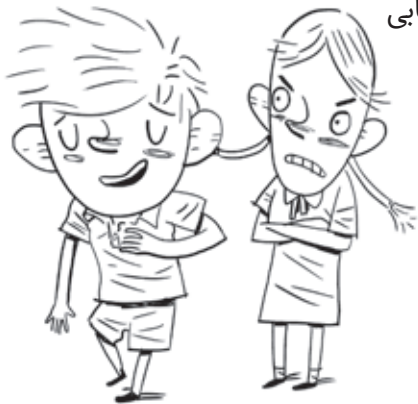
خب! احتمالاً شما نمی‌دانید جریان از چه قرار است. ماجرا برمی‌گردد به قبل از شروع این داستان. یعنی هفته‌ی قبل!

من تصمیم گرفته بودم پیشِ خودم خیال کنم تابی پسر است. نه برای مسخره‌بازی، دلیلش این بود که من حریفِ زبانِ دخترها نمی‌شدم. ساختم بود. داشتم روی تابی امتحان می‌کردم بینم از پسِ زبانش برمی‌آیم یا نه؟

بدک هم نبود. داشت جواب می‌داد. حداقل از صحبت کردن با او به‌عنوان یک دختر راحت‌تر بود. اما تابی

از ماجرا بو برد و همه‌چیز خراب شد.

سرِ کلاس قرار بود دخترها و پسرها دو دسته شوند، من حواسم نبود و ناخودآگاه تابی را هل دادم سمت پسرها و گفتم:



عجیبه که آدمیزاد کتاب هاش رو نمی خوره!

هوپا، ناشر کتاب‌های خوردنی



نشر هوپا همگام با ناشران بین‌المللی، از کاغذهای مرغوب با زمینه‌ی کرم استفاده می‌کند؛ زیرا:
■ این کاغذها نور را کمتر منعکس می‌کند و در نتیجه، چشم هنگام مطالعه کمتر خسته می‌شود؛
■ این کاغذها سبک‌تر از کاغذهای دیگر است و جابه‌جایی کتاب‌های تهیه‌شده با آن، آسان‌تر است؛
■ و مهم‌تر از همه اینکه برای تولید این کاغذها درخت کمتری قطع می‌شود.

..... به امید دنیایی سبزتر و سالم‌تر